



## جدال با فرصت طلبی

**محمد محمدی گرگانی در خطرات و تأملات در زندان شاه از منظر یک مبارز عمل گرا و اخلاقی اشتباه بودن استراتژی جنبش مسلحانه را نشان می‌دهد**

تلقی می‌شد... وقتی دادگاه تمام شد، آمد نزدیک من و یواشکی گفت: محمدی من مدیون تو هستم ولی متأسفم که هیچ کاری برای نمی‌توانم بکنم...»

نطفه شروع همکاری محمدی گرگانی با سازمان مجاهدین خلق در دوره آموزشی پادگان فرح‌آباد در سال ۱۳۴۶ بسته می‌شود. در این مقطع او با بعضی دیگر از دوستانش از جمله حمید بهرامی، محمود احمدی، حسن راعی، پورقاضیان و حسین مهدوی جلساتی تشکیل می‌دهند و صندوق تعاونی درست می‌کنند و بعد از یک سال ۱۷ هزار تومان پول جمع می‌کنند و آرام آرام در اطراف گرگان تمرین تیراندازی می‌کنند و بعد از این دوران بود که جذب سازمان می‌شود: «از چند طرف، سازمان مجاهدین ما را شناسایی کردند. بچه‌ها سال ۴۴ آغاز کرده بودند و ما سال ۴۶ آن هم به شکل ناقص شروع کرده بودیم تقریباً گردانندگان سازمان جمع کوچک ما را جذب کردند.» کریم تسلیمی در گرگان با محمدی ارتباط می‌گیرد. ناصر صادق با بعضی دیگر از رفقای محمدی تماس داشته و محمدی از طریق کریم تسلیمی با علی باکری هم ارتباط می‌گیرد: «بعد از مدتی به من خبر دادند، شما عضو سازمان شدید. من، حمید [بهرامی] و حسین مهدوی با هم بودیم، عجیب خوشحال شدیم. آن روز من واقعاً به گریه افتادم و آن برادری که این خبر را به من داده بود بغل کردم و با او روبروی کردم، در حالی که نمی‌دانستم کیست. نمی‌دانستم سازمان را چه کسانی اداره می‌کنند، تشکیلات چه فکر می‌کند. حتی حنیف‌نژاد را هم نمی‌شناختم. از ارتباطی که با من گرفتند، فهمیدم که این‌ها بسیار متشکل و کار کرده هستند.» بعد از اعلام رسمی پیوستن به سازمان علی باکری برای محمدی و دوستانش بحث «شناخت» و مطرح می‌کند و بعد از آن با توجه به این که محمدی پیش از آن در زمینه قرآن و نهج‌البلاغه کار کرده بود، در واحد ایدئولوژیک سازمان فعالیت می‌کند که مسئول اصلی آن محمد حنیف‌نژاد بود: «این گروه از جمله کارهایش رابطه با قطب‌ها و «قشر دو» بود. قطب‌ها اصطلاحی بود در

نخوانده بود، اما به زبان فرانسه آشنا بود و حتی یک نهج‌البلاغه ترجمه فرانسه داشت. چندین سال معلم بود و بعد کارمند فرمانداری شد و از نظر سیاسی از علاقه‌مندان مصدق بود: «در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، ده ساله بودم. خانه ما پر از عکس‌ها و اعلامیه‌های پارچه‌ای بزرگ در حمایت از مصدق بود.» بعد از ۲۸ مرداد، پدرش به دلیل مواضع سیاسی به کاشان تبعید می‌شود و تا سال ۱۳۳۷ کاشان می‌ماند. محمدی می‌گوید از نظر اجتماعی و سیاسی تحت تأثیر گرایش‌های پدر بود و برخلاف پدر، مادرش کمتر به مسائل اجتماعی توجه داشت. از یک خانواده مرفه بود و با این که «درس کلاسیک نخوانده بود، اما از پختگی، تحمل و صبر زیادی در برابر مشکلات برخوردار بود.» مادرش سنگ صبورش بود و محمدی بزرگ‌ترین درس‌های زندگی را از مادر می‌گیرد: «شاید همین شرایط و روحیات او، از من آدمی ساخت که در زیر شکنجه نیز هرگز نسبت به بازجوها و شکنجه‌گرانم، احساس نفرت و کینه نداشتم. هرگز حاضر نشدم هیچ‌یک از مهره‌های رژیم شاهنشاهی را ترور و یا صدمه‌ای حتی جزئی به آن‌ها وارد کنم.» پدر محمدی گرگانی از خوانندگان مجله «نور دانش» بود که دکتر عطاالله شهباب‌پور آن را منتشر می‌کرد و در طیف مهندس بازرگان قرار می‌گرفت و به این ترتیب او با این طیف سیاسی آشنایی و رابطه برقرار کرد.

### اشک شوق به خاطر عضویت در سازمان

محمدی خرداد ۱۳۴۵ لیسانس حقوق می‌گیرد و اواخر همان سال به سربازی می‌رود. پس از پایان دوره آموزشی به پادگان عباس‌آباد منتقل می‌شود و هر روز به فرمانده گردان درس می‌دهد تا در کنکور شرکت کند که در نهایت حقوق قبول می‌شود. نکته جالب ماجرا این است که چند سال بعد از سربازی که محمدی در فروردین ۱۳۵۱ دستگیر می‌شود، همان سرگردی که برای قبول شدن در دانشگاه به او درس می‌داده قاضی دادگاهش بوده: «از اول تا آخر دادگاه، سرش را پایین انداخت و چیزی نگفت. همین برای من گویای اخلاق انسانی و جوان‌مردی او

### اکبر ممتاز روزنامه‌نگار

محمد محمدی گرگانی که پیش از انقلاب در بطن بسیاری از حوادث و اتفاقات مربوط به سازمان مجاهدین خلق قرار داشت، در سال‌های اخیر تقریباً مهر سکوت بر لب زده بود و درخواست‌های مکرر از جانب رسانه‌ها و مجلات را برای بازگویی خاطرات و تجربیاتش رد می‌کرد. این سکوت و امتناع سرانجام با انتشار خاطراتش در سال ۹۷ شکسته شد. خاطرات محمدی گرگانی روایت مبارزی اخلاقی و در عین حال عمل‌گرا از دوره سخت و سرنوشت‌ساز سال‌های پیش از انقلاب است که در آن نمونه بارز تقابل اخلاقی‌گرایی و فرصت‌طلبی را می‌توان در تقابل و جدال‌های او با مسعود رجوی به خوبی مشاهده کرد.

اگرچه خاطرات محمدی گرگانی سال ۹۷ منتشر شد اما بنا به آن چه در مقدمه آورده شاکله و چارچوب اصلی آن بر اساس خاطراتی است که در تابستان ۵۸ در جهان‌نما (بیلاقی در اطراف گرگان) ضبط کرده است چرا که به نظرش «هیچ گذشته‌ای را نباید با ارزش‌های امروزی ارزیابی کرد و باید آن را در زمان خودش و با همه عوامل، اندیشه‌ها و افکار آن زمان نگاه کرد» و بر اساس همین رویکرد سعی کرده استنادهایش به قرآن و نهج‌البلاغه و دیگر کتاب‌ها، همان‌هایی باشد که در آن زمان مطرح کرده است. خاطرات محمدی گرگانی از کودکی‌اش شروع می‌شود و با پیروزی انقلاب به پایان می‌رسد یعنی زمانی که هنوز نه مجاهدین دست به عملیات مسلحانه زده بودند و نه تا آن‌جا که او در جریان بوده، کسی را ترور کرده بودند و نه زندانیان زمان شاه در سمت زندانبان و دادستان پس از انقلاب قرار داشتند، بنابراین از همه این افراد با ادبیات همان زمان سخن گفته شده نه آن چه بعد از انقلاب پیش آمد.

### فضای خانواده

محمد محمدی گرگانی ۲۶ مهر ۱۳۲۲ در محله «میرکریم» گرگان به دنیا آمد. پدرش با این که تا کلاس نهم (سیکل) بیشتر درس

### هستی متن مقدس



■ محمد محمدی گرگانی  
■ نشر نی  
■ ۲۰۶ صفحه  
■ ۲۴ هزار تومان

این کتاب بر مبنای دو اصل نظری تدوین شده است: نخست این که هستی یک متن مقدس و مبنای معرفت دینی است، که در طول تاریخ مورد غفلت بخشی از متفکرین مسلمان بوده است، هستی به عنوان یک کل یا «وجود» مستمراً و مشتاقانه در آفرینش، انتخاب، هماهنگی و تصمیم است. اصل دوم این است که دین دو بخش دارد: الف) ثابت و تغییرناپذیر، ب) متغیر و تغییرپذیر.

### خاطرات آیت‌الله سید کاظم نورمفیدی



■ تدوین غلامرضا خارکوهی  
■ مرکز اسناد انقلاب اسلامی  
■ ۴۴۰ صفحه

آیت‌الله نورمفیدی در بخشی از خاطراتش درباره محمدی گرگانی می‌گوید: «او قبل از پیروزی انقلاب از اعضای فعال و مرکزی سازمان مجاهدین خلق (منافقین) بود که در مبارزات سیاسی علیه رژیم شاه شرکت فعال داشت و حتی مدتی زندانی شد. پس از انحراف ایدئولوژیک اعضای سازمان به تدریج از آن‌ها فاصله گرفت. پس از انقلاب به عنوان نماینده مردم گرگان و آق‌قلا در اولین دوره مجلس شورای اسلامی انتخاب شد.»

### خاطرات آیت‌الله حبیب‌الله طاهری



■ تدوین غلامرضا خارکوهی  
■ انتشارات سوره مهر  
■ ۳۴۴ صفحه

مرحوم آیت‌الله طاهری گرگانی در بخشی از خاطراتش درباره محمدی گرگانی می‌گوید: «او در سال‌های نخست پس از پیروزی به عنوان محور جریان سیاسی به نام امتی‌ها در گرگان معروف شد که از تفکرات جنبش مسلمانان مبارز به رهبری دکتر پیمان ناشی می‌شد. دکتر محمد محمدی هم اکنون ضمن تدریس در دانشگاه، جزو منتقدین نظام جمهوری اسلامی است و حتی به خاطر اقداماتی که علیه نظام مرتکب شده مدتی زندانی شده است.»